بخش سوم: مسأله استناد و قرار ضمان

بخش سوم هم مسأله استناد و قرار ضمان بود. ان شاء الله امسال میخواهیم بیشتر به بحث فقهی این بپردازیم. الآن که به این قصد رسیدیم که ما قصد پایه‌محور داریم، حالا به فقه و ادله فقهیه مراجعه میکنیم. قصد، انواعی پیدا کرد؛ کجا است که موضوع حکم فقهی، قصد اشراقمحور است؟ آنجا هوش مصنوعی هیچ کاری نمیتواند بکند و آن احکام فقهی برای او نیست و بار نمیشود. اما در فقه کجا است که میتواند قصد پایه‌محور هم دخیل باشد که در فقه، ما قصد میخواهیم، اما قصد معنادار برای ما کافی است؛ مبتنیبر معنادار بودن؛ قصد حکیمانه؛ حتماً در قصد حکیمانه خوابیده که باید فهم و درک اینطوری هم باشد ای نه؟ ببینید چقدر نزدیک هم است. بعداً میخواهیم عرض کنیم نه، هوش مصنوعی یک معاملهای انجام میدهد و تشخیص میدهد که این معامله به صلاح هست یا نیست و بعد هم که کاملاً ضرر و سودش را سنجید و الگوریتمهای تشخیص سود و زیان را به کار گرفت و روالش را طی کرد، خود هوش مصنوعی معامله را انجام میدهد، چون میبیند که سود دارد. شما اسم این را قصد میگذاری یا نه؟ معامله را تصور کرد، سود و زیانش را سنجید، و بعداً هم شما میبینید که خیلی خوب عمل‌کرد؛ درست عمل کرده و سود هم برده. شما اسم آن را چه میگذاری؟ قاصد بود یا نبود؟ اگر میگویید قصد، یعنی تشخیص هدف و ترتیب وسائل برای رسیدن به یک هدفی حکیمانه؛ اگر به این قصد میگویید، خب آن عامل هوشمند ماشینی که انجام داده. چرا بگویید معامله او باطل است؟ چون باید یک روحی باشد که وقتی «بعتُ» میگوید، آن روح، انشاء بیع کند. میگوییم مقصود شارع از انشاء بیع، همین بوده؟! یعنی یک منشئ حکیمی باشد که بفهمد دارد چه میشود و سفیه نباشد؛ بچه نباشد؛ حکیمانه تصمیم بگیرد؛ و به خاطر کمبود عقل، محجور نباشد. خب وقتی او به این صورت تصمیم میگیرد، شما از کجا به شارع نسبت میدهید که نه، ولو خیلی خوب تصمیم گرفته، ولی مقصود شارع از قصد -که فقها میگویند در بیع، قصد لازم است- قصد اشراقمحور است؟! من الآن این را نمیگویم و دارم بحثش را مطرح میکنم. ممکن است که شما در آخر کار استدلال کنید که نیاز است و من حرفی ندارم و الآن فقط دارم طرح بحث میکنم. اما برای رباتی که میخواهد نائب حج شود، نه. میگوییم در اینجا قصد قربت نیاز داریم و اینجا حرف دیگری است؛ قصد امتثال امر میخواهد و رباتِ نمیتواند نائب حج شود و آن قصد، قصد اشراقمحور است که روح میخواهد و قصد تقرب میخواهد و امتثال امر خدا میخواهد. درحالیکه این عامل هوشمند ماشینی از اینها بیگانه است و پایه‌محور است.

حالا به چیزی میآییم که شروع مباحثه ما بود. اگر یادتان باشد اول جلسه پارسال عرض کردم؛ مثال اصلیای که ما به دنبالش هستیم تا به آن برسیم، جایی بود که یک رباتی با آموزش ماشینی، خودش راه قتل را یاد بگیرد و قتل عمدی کند و یک ماشینی را سرقت کند؛ مثال روز اول ما این بود. اینجا چه بگوییم؟ قصاص؟! قصد آمده یا نیامده؟ این از جاهایی بود که مبهمتر است. یعنی سریع نمیتوانیم بگوییم اینکه خودش رفته الگوریتم سرقت قتل عمدی را یاد گرفته، این قصدی است که شارع وقتی میفرماید باید قاصد باشید تا قتل عمد باشد؛ باید ببینیم آن قصد موضوع قتل عمد در اینجا میآید یا نمیآید؟ این به وضوح معامله نیست و باید بیشتر از آن بحث کنیم و در اینجا باید بیشتر حرف بزنیم. آن قصدی که شارع موضوع قتل عمد قرار داده چه قصدی است؟ پایه‌محور است یا نه؟ ان شاء الله باید این را بیشتر بحث کنیم. این را مطرح کردم

ات تفاوتش معلوم شود که از نظر بحث و فکر فقهی زوز بیشتری میخواهد که چه بگوییم.

شاگرد: مسأله ذبح هم مطرح میشود؟

استاد: بله، هوش مصنوعی بسم الله را که میتواند بگوید و با همین توضیحاتی که دادم، یعنی از نظر درک موازین، هوش مصنوعی شرط را میفهمد، مانع را میفهمد و از نظر درک معانای پایهمحور میداند که شرط ذبح شرعی این است که با همان زبان ماشینی که خودش بلد است، بسم الله را بگوید. خب این به اندازه، هوش پایهمحور شرط را تشخیص میدهد که اگر این کار را نکنی از تو قبول ندارم و اگر میخواهی به هدف برسی، باید بسم الله بگویی ای باید به کسی بگویی که بسم الله بگوید. اما خودش با هوش مصنوعی، کارد را تحریک میکند و کارد به دست رباتاست که سر ذبیحه را میبُرَد. الآن این کافی است یا نیست؟

شاگرد: باید برای مسلمان بودنش یک فکری کنیم.

استاد: پارسال عرض کردم که آیا اسلام شرط ذبح است؟ رباتاست که مسلمان نیست، باز شرط را ندارد. یا اینکه کفر مانع است؟ اگر کفر مانع است، اینجا مانع را نداریم؛ رباتاست و نمیتوانیم بگوییم این رباتاست، کافر است و مانع ذبح شرعی، کفر است که این ماهیت در اینجا نیست. آیا اسلام، شرط است یا کفر، مانع است؟ این را باید از ادله استظهار کنیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2025 14:55:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 آوریل 2025 15:49:15 توسط ... .